نقد دیدگاه صاحب حدائق در موضوعیت یقین در رؤیت هلال

استاد: ببینید صاحب حدائق این جمله‌ای را دارند. وقتی می‌خواهند بین روایات جمع کنند، می‌فرمایند:

> **و قد دل ظاهر خبري الخزاز و حبيب المتقدمين على ان أقل ما يحصل به خمسون، فذكر الخمسين هنا إنما خرج مخرج التمثيل و المبالغة في من يحصل بخبره العلم[1]**

ایشان به جای اینکه کلمه تقدیری را بیاورند، می‌گویند منظور از اینکه خمسین گفته‌اند این است که خلاصه در شایع و اخبار باید علم باشد. اگر هوا صاف است ظن کفایت نمی‌کند. آن چه که شما می‌فرمایید این است که شهادت تقدیری هم کافی است. اما من عبارت را بخوانم. وقتی عبارت خوانده می‌شود، می‌بینید چیزی که در لسان عبارت اعمال شده، مناسب با این برداشت نیست.

شاگرد: مقصود من اصلاً تمثیل نبود.

استاد: ببینیم شهادت تقدیری با این عبارت جور در می‌آید یا نه. در صفحه ۲۴۴ ببینید. اول صحیحه خزاز است. یا خزاز. البته همه کتب خزاز ثبت کرده بودند.

> **صحيحة إبراهيم بن عثمان الخزاز عن ابي عبد الله (عليه السلام) قال: «قلت له: كم يجزئ في رؤية الهلال؟ فقال: ان شهر رمضان فريضة من فرائض الله فلا تؤدوا بالتظني، و ليس رؤية الهلال أن يقوم عدة فيقول واحد رأيته و يقول الآخرون لم نره، إذا رآه واحد رآه مائة و إذا رآه مائة رآه الف، و لا يجوز في رؤية الهلال إذا لم يكن في السماء علة أقل من شهادة خمسين، و إذا كانت في السماء علة قبلت شهادة رجلين يدخلان و يخرجان من مصر»[2].**

بعد از اینکه همان توضیحات شما را می‌دهند، عدد را قید می‌کنند: **«و لا يجوز في رؤية الهلال إذا لم يكن في السماء علة أقل من شهادة خمسين»**؛ صاحب حدائق می‌گوید علم است. یعنی «یجوز اقل». حضرت می‌فرمایند: «لایجوز اقل». اما ایشان می‌گوید منظور علم است. «اقل» مثال است. «لایجوز اقل من خمسین» با مثال جور در می‌آید؟! عدد را بیاورند. این فرمایش صاحب حدائق از جاهای عجیب فاصله گرفتن صاحب حدائق از لسان روایت است. این روایت خزاز بود.

25:37

شاگرد: «شهادة رجلين يدخلان و يخرجان من مصر» را در خمسین هم ذکر می‌کنیم؟

استاد: اینکه «یدخلان و یخرجان» به چه معنا است، چند محتمل در آن مطرح است.

شاگرد: در خمسین هم این مد نظرتان هست؟ یعنی پنجاه نفر هم باید از کسانی باشند که در شهر ندیده‌اند و از بیرون آمده‌اند گفته‌اند؟

استاد: ظاهرش در خود شهر است. ذهن سراغ این نمی‌رود. به مقابله آن هم به ذهن می‌آید که برای خودش است.

شاگرد: اگر قرار است در خود شهر باشد، این شهادت تقدیری تقویت می‌شود. یعنی وقتی شما نگاه می‌کنید، جوری ببینید که اگر پنجاه نفر آمدند آنها هم ببینند. مثل اجماعاتی که علی القاعده است.

استاد: عبارت حضرت را ببینید. «ولایجوز فی رؤیة الهلال اقل من شهادة خمسین». شهادت یعنی اگر بگوییم قبول می‌کنند؟!

شاگرد۲: این را برای «لو رآه واحد لرآه الف» بگذارید. یعنی به‌صورتی است که کمتر پنجاه نفر نمی‌شود. مواردی هم هست که ممکن است نزاع شود.

استاد: «لایجوز اقل من شهادة خمسین» یعنی اگر کمتر هم بیایند ثابت می‌شود؟!

حال عبارت روایت حبیب را هم ببینید:

> **و رواية حبيب الخزاعي قال: «قال أبو عبد الله (عليه السلام) لا تجوز الشهادة في رؤية الهلال دون خمسين رجلا عدد القسامة و انما تجوز شهادة رجلين إذا كانا من خارج المصر و كان بالمصر علة فأخبرا أنهما رأياه و أخبرا عن قوم صاموا للرؤية»[3]**

«لاتجوز الشهاده» یعنی اقل هم باشد مانعی ندارد؟! **«لا تجوز الشهادة في رؤية الهلال دون خمسين رجلا عدد القسامة»**؛ این عبارت به این روشنی را حمل کنیم به اینکه اگر پنجاه نفر بیایند، می‌بینند؟!

شاگرد: تناسب حکم و موضوعش اینچنین است. شما می‌خواهید برداشت کنید که اگر چهل و نه نفر بگویند فایده‌ای ندارد؟

استاد: بله، عبارت «لا تجوز الشهادة في رؤية الهلال دون خمسين رجلا عدد القسامة»، یعنی لاتجوز.

شاگرد: من از این طرف می‌گویم. یعنی حضرت می‌فرمایند چون این برای احراز است، اصلاً ریختش طوری است که اصلاً پنجاه نفر بگویند و چهل و نه نفر بگویند. یعنی چهل و نه نفر جمع بشوند ولی نبینند. این حالت تعبدی است که شارع گذاشته و اصلاً شما برای آن مورد پیدا نمی‌کنید. یعنی باید به قدری روشن باشد که به‌صورت تقدیری همیشه پنجاه نفره هست.

استاد: من دیروز عرض کردم. این روایات خیلی نظیر دارد. می‌گویند مثلاً اگر می‌خواهید در کلاس ثبت‌نام کنید، باید متولد سی شهریور آن سال باشد. اگر اول مهر آن سال باشد، دیگر او را ثبت‌نام نمی‌کنید. یعنی برای اینکه امر منظم شود و نزاع و رفت‌وبرگشت را نپذیرد، یک چیزی روشنی می‌گذارند.

---

[1] الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة ج۱۳ ص۲۵۵

[2] همان۲۴۴

[3] همان

بازبینی #1
ایجاد شده 16 مه 2026 12:51:30 توسط ... .
به روزرسانی شده 16 مه 2026 12:54:04 توسط ... .